

# نقش عادت

## در تربیت

● تقی علی اشرف جوادی

قسمت چهارم



### ● عادت و تربیت اجتماعی

قبلاً اشاره شد که تربیت اخلاقی جدا از تربیت اجتماعی نیست، یعنی وقتی بخواهیم از لحاظ روابط اجتماعی، اصولی را پیاده کنیم، در واقع این اصول ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی پیدا می‌کنند که در نهایت متأثر از فلسفه اجتماعی جامعه‌اند.

به عنوان مثال وقتی کسی موازین اخلاقی موجود در جامعه را نادیده می‌گیرد و مرتکب تخلف با جرم یا جنایت می‌گردد. به این تخلفات براساس قوانین جزائی جامعه رسیدگی می‌شود. در مسایل اقتصادی و سیاسی نیز وضع به همین منوال است. بنابراین وقتی تربیت اجتماعی را جدا از تربیت اخلاقی مطرح می‌کنیم برای وضوح و روشنی بیشتر بحث است و نه تلقی دوگانه و مجزا از آنها داشتن. اما وقتی هدف بحث صرفاً بررسی نهادهای اجتماعی و نحوه تشکیل آنها و نیز خصوصیات آنهاست و مسئله روابط اجتماعی مطرح نیست می‌توان به طور جداگانه مسائل اجتماعی را عنوان کرد.

در بحث تربیت اجتماعی آنچه که ضروری است قبلاً به آن اشاره کنیم، مسئله اجتماعی بودن انسان یا داشتن طبیعت

اجتماعی است. اصولاً انسان طرفه معجونی است که سیر طبیعی زندگی او در ارتباط با زندگی دیگران امکان‌پذیر است. هر چند انسان توان آن دارد که تا آخر عمر در انزوا و به تنهایی به سربرد، ولی استعدادها و غرائز و ساختمان بدنی او طوری است که تنها در اجتماعی زندگی کردن به تعادل حیاتی لازم می‌رسد و استعدادهایش بروزمی‌یابد. به عنوان مثال فردی استعداد و قریحه شعری دارد هر چند در تنهایی می‌تواند شعر بگوید ولی استعداد شعریش به خوبی شکفته نمی‌گردد. زیرا شعر نیز ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارد و اینها به طوری که گفته شد همه در ارتباط با اجتماع و اصول اجتماعی‌اند.

### ● زمینه تربیت اجتماعی

□ استعداد اجتماعی شدن

یکی از استعدادهایی که به طور طبیعی در نهاد انسانها وجود دارد و در پرتو تربیت آشکار می‌شود استعداد اجتماعی شدن است، افراد بشر وقتی از مادر متولد می‌شوند قابل پذیرش زندگی اجتماعی هستند، ولی تنها وجود آن قابلیت برای

اجتماعی شدن آنان کافی نیست بلکه باید طفل را با خلق و خوی اجتماعی پرورش داد و روشهای معاشرت با مردم و طرز سازگاری با محیط را به وی آموخت و بدینوسیله استعداد طبیعی وی را از قوه به فعلیت آورد.

طفل از زمان ولادت تا پایان ایام بلوغ، دوران کودکی خود را طی می کند و در خلال این مدت طولانی ضمن این که قوای جسم و جانیش نیرومند می گردد، استعداد اجتماعیش نیز تدریجاً فعلیت پیدا می کند و در همان حال به خلقیات اجتماعی و صفات سازگاری با محیط متخلق و برای همکاری با مردم و زندگی در جامعه آماده می شود.<sup>۴۱</sup>

انگیزه های اجتماعی در زندگی کودک از همان نخستین روزهای زندگی مؤثر است. کودک حتی قبل از تولد در اطرافیان نزدیک خویش تأثیر دارد، این تأثیر در آغاز جنبه مثبت ندارد لیکن به تدریج که ارتباط با سایر انسانها محسوس می شود این اثر واضح تر و روشن تری می گردد.

می توان گفت کودک به هنگام تولد نه یک موجود اجتماعی است و نه یک موجود غیر اجتماعی و تنها می تواند یک پذیرش اجتماعی داشته باشد و تحت نفوذ محرکهای اجتماعی پیرامون خودش قرار گیرد. عجز و ناتوانی نوزاد وی را ناگزیر می سازد که برای تأمین نیازمندیهای زندگی خود به دیگران متوسل گردد و بنابراین اگر چه در آغاز غیر اجتماعی است با این همه مدت زیادی در این وضع نمی ماند.<sup>۴۲</sup>

### □ شروع مناسبات اجتماعی

برای به وجود آمدن مناسبات متقابل اجتماعی باید قدرتهای ادراکی کودک پرورش کافی یافته باشد، این امر شرط لازم و ضروری است. زیرا انگیزه های اجتماعی که کودک با آنها در تماس است مانند: مادر، پدر، برادران، خواهران، باید به طور تجربی ادراک شوند. در ماه دوم زندگی معمولاً نخستین واکنشهای اجتماعی کودک ظاهر می شوند، از جمله این واکنشهای اولیه می توان از واکنش تبسم کردن، ساکت شدن وقتی که او را در بغل می گیرند و قدرت تشخیص بین صدای آدمی و سایر صداها نام برد.

### □ ویژگیهای مراحل رشد اجتماعی کودک

شارلوت بوهلر، که در زمینه سازگاری اجتماعی یکی از صاحب نظران بنام می باشد، برای پرورش اجتماعی کودک در طول مراحل مختلف، هنجارهای زیر را به دست می دهد.

تبسم کردن در پاسخ تبسم بزرگتران در فاصله ۲ تا ۳ ماهگی، نازاحت شدن کودک هنگام ناپدید شدن یکی از والدین بین ۳ تا ۴ ماهگی، تشخیص چهره آشنا از نا آشنا در حدود ۶ ماهگی، یک با دوماه بعد از این تاریخ، کوشش کردن برای جلب توجه دیگران به وسیله من من کردن، باز کردن آغوش هنگام دیدن بزرگترها، و فریاد کردن وقتی که بزرگترها صحبت کردن با او را متوقف می سازند. این تمایلات حدود ۹ ماهگی به طور مختصر به چشم می خورد. وقتی که کودک سعی می کند با گرفتن لباس مادر یا پدر از دور شدن او ممانعت کند، در ماههای بعدی انتظار این است که کودک بتواند شیئی را که در دست دارد به دیگران بدهد، و در همین دوره است که تظاهرات اولیه بازی سازمان یافته، به ظهور می رسد.

در سال اول زندگی، بزرگترها زندگی کودک را تحت الشعاع وجود خود قرار می دهند و در این دوره کودک نسبت به همسالان خود التفات بسیار ناچیزی مبذول می دارد. نتیجه یک تحقیق علمی که روی ۹۲ کودک ۶ تا ۲۴ ماهه انجام شده به خوبی نشان می دهد که چگونه تماس اجتماعی بین کودکان همسال، به تدریج پرورش می یابد.

تمایل به برقراری مناسبات اجتماعی در نیمه دوم سال اول زندگی پیش از فرا رسیدن دومین سالروز تولد به تدریج افزایش می یافت به خصوص وقتی که اسباب بازیهای در اختیار کودک بود، کودکان در این سن نسبت به یکدیگر گذشت بیشتری نشان می دادند، حتی تا سن ۳ یا ۴ سالگی، کودک معمولاً قادر نیست در یک زمان با بیش از یک کودک هم بازی

\* یکی از استعدادهایی که به طور طبیعی در نهاد انسانها وجود دارد و در پرتو تربیت آشکار می شود. استعداد اجتماعی شدن است.

\* در سال اول زندگی، بزرگترها زندگی کودک را تحت الشعاع خود قرار می دهند و در این دوره کودک نسبت به همسالان خود التفات بسیار ناچیزی مبذول می دارد.

\* خداگرایی امری فطری و تغییرناپذیر است اما تحت تأثیر تلقینات و تربیتهای غلط از دوران کودکی این فطرت الهی تحت الشعاع قرار می گیرد و از مسیر واقعی خود منحرف می شود.

شود و تنها در خاتمه دوره پیش دبستانی است که بازیهای دسته جمعی که در آن ۳ یا تعداد بیشتری کودک شرکت داشته باشند صورت می گیرد.

جای هیچ شکی نیست که بازی متضمن عناصر زبانی است و وقتی که بخواهیم خصوصیات اشکال مختلف بازی را مشخص سازیم باید روی همین عناصر تأکید نماییم. از حدود هیجده ماهگی کودک به مرحله ای می رسد که می تواند به تدریج حرف زدن یاد بگیرد یعنی از علائم قراردادی برای بیان مقاصد خود استفاده کند. یادگیری زبان مادری امری پیچیده و تدریجی است ولی آشنایی صحیح با زبان مکالمه و تمرین درباره آن در شمار هدفهای این مرحله است.

مؤلف کتاب روش فعال در کودکان می نویسد: از ۴ تا ۶ سالگی هدف کودکان منحصراً تربیت است نه تعلیم، کودکان باید محلی پر نشاط و پرفعالیت و از لحاظ ایجاد فرصت برای تجربیات متنوع و تحقق هدفهای زیرغنی باشد:

۱- پرورش عادات مفید در کودک به منظور تأمین تندرستی و ایجاد مهارتهایی که برای تطبیق شخص با محیط لازم است.

۲- پرورش رفتار اجتماعی مطلوب و تشویق کودکان به شرکت در گروهها و دستهها که موجب آگاهی از حقوق و امتیازات دیگران می شود.

### ● عادت و تربیت دینی

در بین انواع تربیت که تاکنون درباره آنها بحث شده تربیت دینی از اهمیت والایی برخوردار است، در واقع اگر توانستیم این نوع تربیت را به نحو احسن به خصوص در دوره کودکی و قبل از بلوغ پیاده کنیم، می توانیم در آن صورت اطمینان داشته باشیم که آینده مناسبی در انتظار کودکان ما خواهد بود، ولی اگر نتوانیم به این نوع تربیت اقدام کنیم نباید منتظر جامعه سالم و جایگاهی مناسب برای رشد فرزندان خود باشیم. در هر حال در چنین تربیتی نیز به دلیل حساسیت آن در هر دوره کودکی و به دلیل عدم رشد کافی نیروی عقلانی، استفاده از روش عادت دادن برای آموزش مفاهیم دینی و اعمال عبادی ضروری است. طبق آیه شریفه «فطرة الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله»، خداگرایی امری فطری و تغییرناپذیر است اما تحت تأثیر تلقینات و تربیتهای غلط از دوران کودکی این فطرت الهی تحت الشعاع قرار می گیرد و از مسیر واقعی خود منحرف می شود بنابراین برای آن که این گنجینه عظیم الهی دستخوش تحريفات

و حجابهای ظلمانی نگردد، لازم است از ابتدای تولد کودک در صدد رشد و پرورش آن برآمد.

تربیت دینی نیز همانند تربیتهای دیگر در دوره سنی از تولد تا بلوغ و از بلوغ تا مرگ باید مورد توجه باشد. البته منظور از بلوغ، بلوغ شرعی است نه قانونی زیرا این دو گاهی بر حسب شرایط زیستی و جغرافیایی گرمسیری و سردسیری با هم اختلاف دارند، «بلوغ قانونی ۱۶ سالگی و بلوغ شرعی ۱۵ سالگی برای پسران و ۹ سالگی برای دختران است». البته دوره اول از حساسیت و اهمیت ویژه ای برخوردار است زیرا به عنوان پایه و اساس تربیت دینی بعد از بلوغ محسوب می شود.

### ● کودک و تربیت دینی

کودک قبل از آن که عقلش به فعلیت برسد و قادر به درک مطالب علمی گردد، فطرت توحیدی و ضمیر زلال او برای پذیرش تربیت آماده است. لازم است پدر و مادر به ارزش این فرصت مهم توجه کنند و از بیداری فطرت ایمانی و احساسات کودک حداکثر استفاده را بنمایند و از اوان طفولیت در روان وی ایمان به خدا و سجایای اخلاقی را پرورش دهند. پیش از آن که عقلش به خوبی شکفته شود و در راه تحصیل علم و درک حقایق عقلانی قدم بردارد، طفلی پاک نهاد و با ایمان، خوش اخلاق و مورد اعتماد بارآمده باشد.

لازم است شنیدهها و دیدههای کودک که از راه گوش و چشم وارد مغز او می شود شدیداً تحت مراقبت قرار گیرند؛ یک سخن پلید، یک منظره منحرف کننده کافی است فکر طفل را از صراط مستقیم بگرداند و برای همیشه او را منحرف و آلوده نماید. در زمینه تربیت دینی نکته ای که باید بدان اشاره کنیم، ابعاد تربیت دینی است، بدین معنی که وقتی بحث از دین

\* کودک قبل از آنکه عقلش به فعلیت برسد و قادر به درک مطالب علمی گردد، فطرت توحیدی و ضمیر زلال او برای پذیرش تربیت آماده است.  
\* وقتی می گویند اگر بچه نماز نخواند او را تنبیه کنید یعنی تن او را بیدار کنید نه معنی اش این است که او نماز را دوست ندارد. تنبیه برای این است که تن به تبلی عادت نکند.

است، به طور اخص دو دسته از مفاهیم یا مسائل جلب توجه می‌کنند، یکی اصول عقاید یا اصول دین، که عبارت از (توحید - نبوت - معاد - عدل و امامت) دیگری فروع دین که شامل (نماز - روزه - خمس - زکات - حج - جهاد و...) که ما از اصول عقاید تنها به اصل توحید و از فروع دین به نماز و روزه، به دلیل وضعیت فکری کودک و نیز اهمیت خاص آنها در این دوره سنی اکتفا خواهیم کرد.

### ● توحید و تربیت دینی

طفل را با اتکا به سرشت فطری خودش می‌توان به آسانی خداپرست بار آورد و او را به پروردگار خالق و مهربان مؤمن و معتقد نمود. همچنین برای پرورش راستگویی، درستکاری، محبت، مهربانی، وظیفه‌شناسی، انصاف، کمک به دیگران و خلاصه اصول سجایای اخلاقی، استدلالهای علمی ضرورت ندارد. کودک را می‌توان با آن صفات تربیت کرد و از اول او را به کارهای نیک و بسندیده عادت داد.<sup>۱۲</sup>

«برای این که کودکان از اول مؤمن و خداپرست تربیت شوند لازم است بین جسم و جان آنها نیز از نظر ایمانی هماهنگی برقرار باشد. به همین دلیل اسلام از طرفی پدران و مادران را مکلف نموده است که فرزندان را به خدا متوجه کنند و به آنان خداپرستی و تعالیم دینی را بیاموزند، و از طرف دیگر دستور داده است اطفال را به نماز و عبادات تمرینی وادارند.

عبادات تمرینی کودک، دعا و نیایش او در پیشگاه خداوند اثر درخشانی در روان طفل می‌گذارد. ممکن است کودک الفاظ و عبارات نماز را نفهمد ولی معنی توجه به خدا و راز و نیاز با خدا، استمداد از خدا، دعا و تمنا در پیشگاه خداوند را در عالم کودکی خود درک می‌کند و امیدوار بار می‌آید، و دلش به خداوند و رحمت نامحدود او مطمئن می‌شود».<sup>۱۳</sup>

«بچه خواه ناخواه تحت تأثیر مذهب قرار می‌گیرد، زیرا در خانه و در اجتماع پیوسته به آن برمی‌خورد و فکر مذهب و پیروی از عقاید مذهبی در وی ایجاد می‌شود چیزی که بچه زیاد از مذهب می‌شنود، کلمه خداست، مفهوم خدا از موقعی برای بچه حاصل می‌شود که معنی اسمها را درک می‌کند، زودتر از آن مفهوم کلمه خدا برای او شبیه به اشخاص یا اجسامی است که در محیط خود می‌آیند ولی کم کم معنای حقیقی آن برای او واضح و روشن می‌شود. اولین درس مذهب، تعریف خدا و چگونگی پیدایش عالم و آدم است که باید در سنین ۷ سالگی و حتی زودتر به زبانی ساده و با دلایل حتی برای بچه بیان شود».<sup>۱۴</sup>

روش دیگری که به وسیله آن اصول عقاید به کودک القا می‌شود تلقین است.

«سزاوار آن است که طفل را در ابتدای تمیز و ادراک، تلقین ترجمه عقاید مذکوره نمایند تا آنها را حفظ کند و بر صفحه خاطر نقش نمایند، و به تدریج معانی آنها را تعلیم نمایند تا آن معانی را نیز بفهمد و به سبب نشو و نما، او بر این، رسوخی در قلب او حاصل می‌شود و از برای او اعتقاد بهم می‌رسد اگر چه هیچ دلیل و برهانی از برای او نباشد. و این از فضلهای غیر متناهی الهیه است که در ابتدای نشو و نما، دل انسان را محل ایمان می‌کند بی دلیل و برهان، ولیکن این اعتقاد در ابتدا خالی از وهن و ضعف نیست و ممکن است که به شبهات ازاله شود و باید آن را در دل اطفال و سایر عوام به نحوی راسخ نمود که متزلزل نشوند».<sup>۱۵</sup>

### ● فروع دین و تربیت دینی

□ نماز

علی علیه السلام در مورد یاد دادن نماز به کودکان می‌فرماید:

«علموا صبیانکم الصلوة و خذوهم بها اذ ابلغوا الخلم».  
 بیاموزید کودکان خود را نماز و مواخذه کنید ایشان را به سبب آن، پیش از بلوغ نیز گفته‌اند که ایشان را باید عادت داد به گزاردن نماز، هر گاه ۶ ساله شوند و بعضی ۷ ساله گفته‌اند و هر دو در حدیث وارد شده و گفته‌اند که مواخذه شدید می‌کنند ایشان را هر گاه ترک کنند آن را در ۹ سالگی یا ۱۰ سالگی بنا بر اختلاف احادیث. و ممکن است که اینها به عنوان استحباب باشد و ممکن است که بر سبیل وجوب باشد، نهایت تأکید در مواخذه بعد از بلوغ بیشتر باشد و به آن اعتبار، آن

می‌توان از طریق القای منافع و محاسن یک عمل به فرد، او را تحریک و تشویق و علاقه مند به انجام آن عمل نمود.

تمایل صرف نمی‌تواند عادت مفید به بار آورد، بلکه فرد باید با تشکیل عادت مورد نظر، به تکرار ادامه بدهد، در ایجاد عادت تکرار متوالی شرط لازم است.

تخصیص یافته باشد به ذکر در این فقره مبارکه».<sup>۱۹</sup>

«وقتی می گویند اگر بچه نماز نخواند او را تنبیه کنید یعنی تن او را بیدار کنید نه معنی اش این است که اونماز را دوست ندارد. تنبیه برای این است که تن به تنبلی عادت نکند. نباید بچه را برای نماز با چوب زد، باید کم کم کودک تمرین نماید، یعنی قبل از دوران تکلیف تا برای بعد از بلوغ آمادگی لازم را کسب نموده باشد، و اگر از قبل آماده نشود حتی اگر خود هم بر خود فرمان دهد باز این فرمان اجرا نمی شود زیرا او دیگر فلج شده است. در اینجا است که وقتی تن می خواهد به عادت بد خوگر شود، باید تن را از این عادت بازداریم، این تنبیه حکم دین را ابلاغ نمی کند».<sup>۲۰</sup>

□ روزه

بعد از نماز، روزه در تربیت دینی کودک نقش بسیار مهمی ایفا می کند، زیرا وقتی کودک به روزه گرفتن عادت می کند، با گرسنگی و تشنگی آشنا می شود. در حالی که قبل از روزه گرفتن این اعمال برای او مفهومی نداشت. از طریق روزه کودک می تواند ضمن مقاوم نمودن بدن در برابر گرسنگی و تشنگی از وضع و حال گرسنگان و تشنگان نیز مطلع شده و احساس همدردی کند.

### ● تربیت دینی بعد از بلوغ

در تربیت دینی قبل از بلوغ به دلیل عدم رشد کافی نیروی عقلانی، برای آن که وقفه ای در تربیت دینی کودک ایجاد نشود و عادات نامناسب به جای دین در او شکل بگیرد، با استفاده از روش عادت دادن پاره ای از اعمال دینی را که از اهمیت بیشتری نسبت به سایرین برخوردارند به آنان می آموزیم، منتهی در بلوغ و بعد از آن به علت آمادگی فکری و عقلی آنها باید علت و فلسفه اعمال و اعتقادات را به آنان توضیح داد، به عبارت دیگر تربیت دینی در این دوره جنبه تعقلی پیدا می کند. و فرد بالغ به عنوان یک انسان مکلف در برابر قوانین دینی قرار می گیرد.

### ● مراحل ایجاد عادات مفید

#### ۱- ایجاد تمایل

هر چند در بحث مراحل ایجاد عادت توضیح دادیم که عادت چه مرحله ای را طی می کند لکن در اینجا هدف این است که وضعیت مطلوب هر یک از مراحل را توضیح دهیم.

گفتیم که تمایل اولین قدم در ایجاد هر نوع عادتی به شمار می آید. اما در ایجاد یک عادت مفید و مطلوب به تمایل قوی تری نیازمندیم. یکی از راههای ایجاد تمایل نسبت به عملی استفاده کردن از روش تلقین است. یعنی می توان از طریق القای منافع و محاسن یک عمل به فرد، او را تحریک و تشویق و علاقه مند به انجام آن عمل نمود.

روش تقلید نیز می تواند در این مسیر مؤثر باشد ولی تأثیر تلقین عمیق تر است.

#### ۲- واداشتن به تمرین و تکرار

دومین مرحله بعد از ایجاد تمایل در فرد نسبت به انجام عملی واداشتن او به تمرین و تکرار است. یعنی تمایل صرف نمی تواند عادت مفید به بار آورد، بلکه فرد باید با تشکیل عادت مورد نظر، به تکرار ادامه بدهد، در ایجاد عادت تکرار متوالی شرط لازم است. البته مسلم است که تکرار نیز توأم با اراده فرد است. یعنی شخص نمی تواند بی اراده و بی هدف عملی را تکرار کند.

بنابراین برای تثبیت هر چه بهتر عادت نیک بعد از تشکیل آن، تکرار متناوب می تواند بهترین وسیله باشد.

#### ۳- تعلیم و تفکر

اگر عنصر فکری یا عقلانی را از عادت بگیرند، جزیک سری حرکات ماشینی و تکراری چیزی نمی ماند. بنابراین برای آن که عادتی مفید و مطلوب باشد حتماً باید در تکوین آن از نیروی تفکر استفاده شود.

عاداتی که با استعانت از اندیشه و تمایل قوی و تکراری مناسب و مطلوب تشکیل می شوند، نتایجی ثمربخش خواهند داشت.

برای ایجاد عادات مفید در سطح جامعه و نیز مراکز آموزشی، باید با معرفی این مراحل، نخست شناخت لازم نسبت به آنها ایجاد نمود و سپس با نشان دادن نمونه های عینی و عملی، ساده ترین راهها را برای ایجاد چنین عادتی ارائه داد.

